

عنوان مقاله:

نسبت فلسفه موسیقی فارابی با افلاطون

محل انتشار:

دوفصلنامه شناخت، دوره 15، شماره 2 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

نویسندگان:

سید شاهین محسنی - دانشگاه شهید بهشتی

نصراله حکمت - دانشگاه شهید بهشتی

امیر مازیار - دانشگاه هنر

حمید عسکری رابری - دانشگاه هنر

خلاصه مقاله:

در مقاله حاضر، نسبت فلسفه موسیقی فارابی با افلاطون در چهار موضوع (۱) موسیقی و جهان، (۲) $\eta\theta\omicron\varsigma$ و (۳) $\pi\alpha\iota\delta\epsilon\iota\alpha$ ، لذت، (۴) دولت شهر و موسیقی عملی بررسی شده و نشان داده شده که با آنکه فارابی در حکمت عملی از افلاطون تاثیراتی گرفته، اما در فلسفه موسیقی و در تمام موضوعات با افلاطون اختلاف اساسی دارد و باینکه در بعضی مواضع آرای مشابهی صادر شده، اما مبادی یا غایات رای تفاوت داشته است. افلاطون که فیثاغورسی است، با گرایش اخلاقی پررنگ، با تغییر در نظر و عمل موسیقی زمانه خویش مواجه است و سعی در اثبات اصول موسیقایی و حفظ سنت و آیین موسیقایی پیشین دارد، درحالی که فارابی در چنان بزنگاه تاریخی مشابه افلاطون قرار ندارد، اما در مرکز تمدن اسلامی با پیشینه های فرهنگی متفاوت و آرای مختلف موسیقایی قرار گرفته و همین طور کتب موسیقی نظری یونانی را نیز پیش دست دارد و دغدغه اصلی وی تشکیل علم جامع موسیقی در نظر و عمل است. فارابی، با غایت قراردادن سعادت در حکمت عملی، استفاده از موسیقی را نیز در جهت سعادت تبیین می کند. او، با انکار منشابودن روابط کیهانی در علم موسیقی و با گرایش به فلسفه علم ارسطویی، مبادی علم موسیقی را بر تجربه بنا نهاده و از گفتمان فیثاغورسی ای که افلاطون در آن قرار داشته گذر کرده است.

کلمات کلیدی:

موسیقی، فلسفه موسیقی، موسیقی یونان، فارابی، افلاطون

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1631655>

